

فرصت‌های جدید مراودات فرهنگی ایران و اروپا در عصر افراط‌گرایی

امیرمحمد حاجی یوسفی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۲۱

چکیده

از دید بسیاری از پژوهشگران، تشدید افراط‌گرایی، به‌ویژه در دو منطقه استراتژیک جهان، یعنی خاورمیانه و اروپا، به نحوی با دین اسلام مرتبط است. مطابق این دیدگاه، ظهور و قدرت گرفتن احزاب افراطی راست و ملی‌گرای اروپایی در دو دهه گذشته، با حضور فزاینده اسلام در اروپا ارتباط دارد. همچنین افراط‌گرایی در خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌ویژه پس از ظهور طالبان، القاعده و داعش به موازات عناوینی چون اسلام‌یسم و جهاد‌یسم که نشان‌دهنده ویژگی‌های دینی و اسلامی آنهاست، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این نوشتار که صرفاً اعلام موضع و دیدگاه به‌شمار می‌رود به طرح این پرسش می‌پردازیم که ظهور و قدرت گرفتن افراط‌گرایی در اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا، چه فرصت یا فرصت‌هایی برای مراودات

۱. دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
رایزن فرهنگی وقت جمهوری اسلامی ایران در سوئد

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اروپا، با تأکید بر کشور سوئد، فراهم ساخته است. از منظر این نوشتار، هرچند شرایط کنونی در خاورمیانه و اروپا، تحت تأثیر گروه‌های افراط‌گرای دینی و غیردینی تهدیدهای زیادی ایجاد کرده، اما فرصتی تاریخی نیز به وجود آورده و با آگاه ساختن سیاستمداران به ضرورت استراتژیک شناخت میان فرهنگی برای جلوگیری از افراط‌گرایی، فضا را برای فعالیت‌ها و افزایش مراودات فرهنگی بهبود بخشیده است.

واژه‌های کلیدی: افراط‌گرایی، خاورمیانه، اروپا، مراودات فرهنگی، ایران.

مقدمه

برخلاف وجود آینده‌نگری‌های خوش‌بینانه به دوران بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و نوید آغاز دوره‌ای از روابط بین‌الملل مبتنی بر صلح، امنیت و توسعه، این خوش‌بینی به سرعت پایان یافت. یکی از پدیده‌هایی که با شروع قرن بیستم مجدداً خودنمایی کرد، روند رو به رشد افراط‌گرایی بود. افراط‌گرایی، همواره اشکال مختلفی در سطح جهان داشته است، اما در ظاهر، دین و به خصوص اسلام، یکی از انگیزه‌ها محسوب می‌شود. بسیاری از ناظران، پژوهشگران و اساتید دانشگاهی، افراط‌گرایی جدید - حداقل در اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا - را به اسلام ربط می‌دهند. مطابق این دیدگاه، ظهور و قدرت‌یابی احزاب افراطی راست و ملی‌گرای اروپایی در دو دهه گذشته با حضور فزاینده اسلام در اروپا ارتباط داشته است (دوگلاس، ۲۰۱۵: ۲۶).

همچنین، پدیده افراط‌گرایی در خاورمیانه و شمال آفریقا، به ویژه پس از ظهور طالبان، القاعده و داعش با عناوینی، چون اسلام‌یسم و جهاد‌یسم مورد تحلیل قرار می‌گیرد که نشانگر ویژگی دینی و اسلامی آنهاست. برای شناخت این موضوع و احیاناً ارائه راهکار، افراد زیادی به تحلیل ماهیت، علل و ریشه‌های افراط‌گرایی در سطح جهان و نیز عواقب و تهدیدهای آن پرداخته‌اند. این نوشتار، که صرفاً اعلام موضع و دیدگاه است^۱، به طرح این پرسش می‌پردازد که ظهور و قدرت‌یابی رویکرد افراط‌گرایی در اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا، چه فرصت یا فرصت‌هایی برای مراودات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اروپا، با تأکید بر کشور سوئد، ایجاد کرده است؟ در پاسخ به این پرسش، نخست نگاهی به قدرت‌یابی احزاب افراطی راست و ملی‌گرای اروپایی می‌اندازیم. در بخش دوم، به ظهور گروه‌های افراطی در خاورمیانه و شمال آفریقا، با تأکید بر گروه موسوم به خلافت یا دولت اسلامی (داعش)، اشاره خواهیم کرد. سپس،

1. opinion or position paper

نگرانی‌های مقامات و دولتمردان اروپایی از موج افراط‌گرایی را برمی‌شماریم و در نهایت، در بخش چهارم و نتیجه‌گیری توضیح می‌دهیم که چگونه افراط‌گرایی می‌تواند فرصتی برای گسترش مراودات فرهنگی ایران و اروپا، با تأکید بر کشور سوئد، باشد.

قدرت‌یابی احزاب افراطی در اروپا

طی سه دهه اخیر، احزاب افراط‌گرای راست در اروپا رشد روزافزونی داشته‌اند. این احزاب، اگرچه تحت تأثیر یک گفتمان غالب نژادپرستانه هستند، اما می‌توان آن‌ها را براساس تمایلات و گرایش‌های‌شان به دو دسته احزاب دست راستی مردم‌گرا و احزاب دست راستی افراط‌گرا^۱ تقسیم کرد. حزب مردم دانمارک^۲ و جبهه ملی فرانسه^۳، از احزاب راست مردم‌گرایانی‌اند که بعد از جنگ جهانی دوم تأسیس شدند. از این رو، این احزاب در ایدئولوژی و نهضت نازیسم ریشه ندارند، اما به بهانه دفاع از آزادی و لیبرالیسم، به شدت ناسیونالیست و ضد مهاجران خارجی در اروپا هستند. برخی احزاب راست‌گرای افراطی مانند حزب آزادی اتریش^۴ و حزب دموکرات سوئد^۵، به ایدئولوژی نازیسم معتقد هستند و در جمعیت‌های نازیستی ریشه دارند که تمایلات نژادپرستانه خود را آشکارا نشان می‌دهند. هرچند احزاب راست افراط‌گرا - به سبب نگرش آنتی سمیتیستی - به فلسطین و در نتیجه، مسلمانان گرایش‌هایی داشته‌اند، اما این احزاب هم ضد مهاجران خارجی، از جمله مسلمانان، در اروپا هستند. به عبارت دیگر، ضدیت با اسلام و تلاش برای ترویج اسلام‌هراسی، وجه مشترک طیف گسترده‌ای از احزاب دست راستی اروپاست. احزابی چون حزب مردم برای آزادی و دموکراسی^۶ هلند، حزب آزادی اتریش، حزب دموکرات‌های سوئد، حزب مردم دانمارک، حزب ملی انگلستان^۷ و جبهه ملی فرانسه معتقدند که اسلام تهدیدی برای دموکراسی و مانع هم‌گرایی مهاجران در کشورهای اروپایی است. احزاب راست‌گرای افراطی که ریشه‌های نازیستی و یهودستیزی دارند، برای خلاص کردن خود از شرّ اتهام یهودستیزی و به دست آوردن رأی، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته‌اند. اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی که جوّ غالب رسانه‌ای کشورهای اروپایی در دهه‌های اخیر بوده،

1. Right-wing extremist
2. Danish People's Party
3. French Front National
4. Austrian Freedom Party
5. Swedish Democrats
6. People's Party for Freedom and Democracy
7. British National Party

به این احزاب کمک کرده است تا در انتخابات کشورهای خود پیروز شوند. برای مثال، حضور حزب آزادی اتریش در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ در دولت این کشور با شعار «مسلمانان، دشمنان داخلی»؛ کسب ۲۴ کرسی پارلمان هلند در انتخابات سال ۲۰۱۰ به‌وسیله حزب آزادی، که رهبر آن خیرت ویلدرس^۱ سازنده فیلم ضداسلامی «فتنه»، خواستار تحریم و ممنوعیت قرآن، به‌عنوان یک کتاب «فاشیستی» بود؛^۲ موفقیت حزب مردم دانمارک در انتخابات پارلمانی سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ به ترتیب با کسب ۱۴، ۱۴ و ۲۱ درصد آرا، که دیدگاهی ضد مهاجران خارجی، از جمله مسلمانان داشت؛ ورود حزب دموکرات‌های سوئد به پارلمان این کشور در انتخابات سال ۲۰۱۰ و ارتقای این حزب به جایگاه سوم در میان احزاب سوئدی در انتخابات ۲۰۱۴ که معتقد بود «زنان مسلمان برقع‌پوش مزایای متعلق به بازنشسته‌های سوئدی را از آن خود می‌کنند»؛ همگی نشان از قدرت گرفتن احزاب افراطی ضد اسلام و اسلام‌هراس در اروپا دارد (فرید حافظ، ۲۰۱۴: ۴۸).

قدرت‌یابی احزاب اسلام‌هراس در اروپا نشان از این واقعیت دارد که نگاه جوامع اروپایی به اسلام و مسلمانان در دهه‌های اخیر، به‌صورت فزاینده‌ای منفی شده است. براساس گزارش «عدم رواداری، جانبداری و تبعیض»، که در سال ۲۰۱۱ در اروپا منتشر شد، اکثریت مردم شش کشور اروپایی آلمان، انگلستان، فرانسه، هلند، ایتالیا، پرتغال و مجارستان، بر این باور بودند که اسلام مذهب رواداری و مدارا نیست. در نتیجه‌گیری این گزارش آمده است که در اروپا نوعی احساس دوری، سوءظن و بی‌اعتمادی حیرت‌آور نسبت به مسلمانان و اسلام وجود دارد. این احساس در کشورهای اروپایی، که جمعیت مسلمان زیادی هم ندارند، قابل لمس است و نشان‌دهنده وجود ایستارهای ضدمسلمان به‌عنوان یک واقعیت، حتی بدون حضورمسلمانان است. (زیک و هو، ۲۰۱۱).

گسترش فزاینده اسلام و افزایش جمعیت مسلمانان در اروپا به یک مسئله بسیار جدی در سیاست و حکومت کشورهای اروپایی تبدیل شده، که قابل تأمل است. از سویی، رسانه‌های اروپایی، به‌طور عمده، به گسترش اسلام‌هراسی تمایل دارند و از سوی دیگر احزاب راست افراطی با تمسک به اسلام‌هراسی، به تدریج جای پای خود را در سیاست و حکومت کشورهای اروپایی محکم می‌سازند. می‌توان گفت، ذهنیت اروپاییان به تدریج رنگ و شکل ضد اسلامی

1. Geert Wilders

۲. ویلدرس در سخنرانی‌های خود قرآن را به کتاب نبرد من هیتلر تشبیه کرده و معتقد است اسلام و قرآن بخش‌هایی از یک ایدئولوژی فاشیستی‌اند که می‌خواهند تمامی عقاید جهان دموکراتیک غربی را از بین ببرند.

و مخالفت با مسلمانان به خود گرفته که در نتیجه مشکلات بسیار زیادی برای سیاستمداران کشورهای اروپایی از یک سو و اتحادیه اروپا از سوی دیگر ایجاد کرده است که در بخش سوم به آن خواهیم پرداخت.

قدرت‌یابی داعش در خاورمیانه و شمال آفریقا

در چند سال اخیر، به‌ویژه پس از شروع بهار عربی در سال ۲۰۱۱، چند تحول بسیار مهم و غیرقابل انتظار در زمینه اسلام‌گرایی و گروه‌های اسلام‌گرا رخ داده است. اول، گروه القاعده تجزیه و القاعده اصلی به رهبری ایمن ظواهری تضعیف شده است. دوم، برخی گروه‌های تکفیری، همچون جبهه النصره در سوریه، و داعش در عراق و سوریه بوجود آمده‌اند که برای سرنگونی دولت‌های مستقر و ایجاد یک دولت جدید با عنوان خلافت اسلامی تلاش می‌کنند. و در نهایت، گروهی تروریستی، به نام بوکو حرام، در کشور نیجریه تشکیل شده است که کاملاً شبیه داعش عمل می‌کند.^۱

شکل‌گیری و قدرت‌یابی سریع گروه تروریستی داعش یا دولت اسلامی عراق و شام، در سال ۲۰۱۳ در عراق و سوریه خارق‌العاده بوده و توجه ناظران و پژوهشگران زیادی را برای شناخت و تحلیل این پدیده به خود جلب کرده است. در واقع از دهه ۱۹۸۰ با ظهور طالبان در افغانستان، و پس از آن گروه‌های مرتبط با القاعده در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله عراق، تحلیل‌گران به مطالعه این گروه‌ها پرداخته و سعی کرده‌اند ماهیت، دلایل ظهور و پیامدهای امنیتی آن‌ها برای منطقه و جهان را بررسی کنند. حضور و کنش گروه‌های رادیکال و تروریستی در نظام بین‌الملل، پدیده‌ای جدید نیست. براساس تقسیم‌بندی راپاپورت، حداقل می‌توان چهار موج رادیکالیسم و تروریسم را در عرصه بین‌الملل شناسایی کرد: اولین موج به قرن نوزدهم و مبارزات آنارشستی برای سرنگون ساختن حکومت در قاره‌های اروپا و آمریکا اختصاص دارد. موج دوم، از دید راپاپورت، مربوط به جوامع، گروه‌ها و احزابی است که از اوایل قرن بیستم به مبارزه علیه استعمار برخاستند و در مجموع، نهضت استقلال‌طلبی از استعمار خارجی را رقم زدند. گروه‌های رادیکال چپ با گرایش‌های مارکسیستی و لنینیستی در مبارزه با امپریالیسم در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، موج سوم تروریستی را تشکیل می‌دهند. و

۱. براساس اطلاعات موجود حدود ۳۵ گروه تروریستی و تکفیری در آسیا و آفریقا مانند: نهضت خلافت و جندالله در پاکستان، گردان التوحید و قهرمانان گردان اسلام در افغانستان، بوکو حرام در نیجریه، انصار التوحید در هند، انصار الشریعه در لیبی و گروه‌های ابوسیف و انصار الخلیفه در فیلیپین با داعش بیعت کرده یا از آن حمایت نموده‌اند؛ بنگرید به: میثم بهروش، معضل داعش و استراتژی ضدتروریسم ایران، روزنامه شرق، شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۴.

در آخر، از دید این پژوهشگر، موج چهارم تروریستی مربوط به گروه‌های اسلام‌گراست که از سال ۱۹۷۹ به بعد تشکیل شده‌اند (راپاپورت، ۲۰۱۲: ۲۲۹).

اما بدون بحث درباره درستی یا نادرستی این تقسیم‌بندی، به نظر می‌رسد با ظهور داعش دو مفروض راپاپورت درباره این چهار موج تروریستی مورد تردید واقع شده است؛ یعنی خردمندان عمل کردن کنشگران^۱ از یک سو و ناپایداری موج‌های تروریستی از سوی دیگر، که تقریباً در ادبیات روابط بین‌الملل نیز مورد پذیرش بود^۲. بسیاری بر این باورند که رفتارهای بربری و ضد انسانی گروه‌های سنی تکفیری به هیچ وجه در قالب الگوهای رفتار خردمندان قابل فهم نیست. به ویژه استفاده این گروه از خشونت و تروریسم و نیز اعتقاد آن به کشتار دسته جمعی برخی مسلمانان که از دید آنان کافرند (مانند شیعیان)، برای رسیدن به هدف خود یعنی تشکیل خلافت اسلامی و امت بزرگ اسلام امری کاملاً غیرعقلانه تلقی می‌شود. همچنین، این موج تروریستی ممکن است در اثر فرسایش داخلی، فشارهای خارجی و تغییر نسل تضعیف شود، ولی به سبب ماندگار بودن عقاید تکفیری، از بین نرفته، بلکه بازتولید می‌شود و هر از گاهی، براساس شرایط محیطی در یک نقطه از خاورمیانه سر بر می‌آورد. بر اساس این دیدگاه، گروه‌های تکفیری چهار مرحله یا چرخه بسیج^۳، افراط‌گرایی^۴، فروپاشی^۵ و تولد دوباره^۶ را پشت سر می‌گذارند^۷.

ویژگی‌های بعضی از گروه‌های تروریستی، مانند خمرهای سرخ در کامبوج^۸ و ارتش مقاومت خدا در اوگاندا^۹، موجب شد تا برخی مانند کاپلان از موج پنجم تروریسم بین‌المللی سخن بگویند (کاپلان، ۲۰۱۰).

۱. در مورد این‌که تروریست‌ها نیز رفتار خردمندان دارند بنگرید به:

Jack Gibbs, "Conceptualization of Terrorism", in J. Horgan and K. Braddock, eds, *Terrorism Studies: A Reader*, New York: Routledge, 2012.

۲. درباره رفتار غیرخردمندان تروریست‌ها بنگرید به:

Bruce Hoffman, *Inside Terrorism*, New York: Columbia University, 2006.

3. mobilization

4. extremism

5. implosion

6. rebirth

۷. برای نمونه بنگرید به: Anthony Celso, "Cycles of Jihadist Movements and the Role of Irrationality", *Orbis*, Spring

۲۰۱۴

۸. خمرهای سرخ از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ بر کامبوج حکومت کردند و بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر را قتل‌عام کردند.

۹. گروهی مسیحی که هدف خود را براندازی حکومت اوگاندا و برپایی حکومت دینی بر مبنای ده فرمان می‌دانند. (Lord's Resistance Army)

هرچند کاپلان به موضوع گروه‌های تکفیری چون داعش نمی‌پردازد، اما بسیاری از ویژگی‌های موج پنجم درباره گروه‌های تکفیری نیز صدق می‌کند. عمده این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: آرمان‌گرایی افراطی؛ علاقه به بازسازی عصر طلایی گذشته؛ تلاش برای نابودی دنیای قدیمی و ساختن جامعه‌ای کاملاً جدید، با استفاده از خشونت و کشتار دسته‌جمعی؛ استفاده از زور در برابر مخالفان داخلی و بی‌علاقگی به سازش؛ تلاش برای انقیاد کامل زنان و کودکان؛ استفاده از تجاوز جنسی به عنوان یک اسلحه جنگی؛ برخورداری از رهبری کاریزماتیک و اقتدارگر؛ و جهان‌بینی آخرازمانی که ریشه در مذهب دارد (همان: ۴۶-۸۷).

برخلاف این شباهت‌ها، کاپلان گروه‌های تکفیری را در موج پنجم تروریسم قرار نمی‌دهد، هرچند که با آن مخالفتی نیز نمی‌کند.

در مجموع، از میان ویژگی‌های مهم گروه‌های تکفیری، به‌ویژه داعش، دو ویژگی در بحث این نوشتار اهمیت دارد:

۱. رویکرد قومی-مذهبی گروه‌های تکفیری و تغییر جهت آنها از مبارزه با آمریکا و کشورهای غربی، به جنگ با گروه‌های قومی-مذهبی داخلی، یعنی شیعیان، علوی‌ها، کردها، ایزدی‌ها و غیره.

۲. قدرت فوق‌العاده زیاد این گروه‌ها در جذب نیرو از میان ساکنان کشورهای غربی، به ویژه اروپا.

تغییر جهت ایدئولوژی داعش از مبارزه با آمریکا و غرب به سمت گروه‌های قومی-مذهبی داخل منطقه (عراق و سوریه)، در ابتدا این احساس را به‌وجود آورد که این گروه‌ها تهدیدی برای امنیت غرب ایجاد نمی‌کنند و حتی عده‌ای فرضیه ایجاد داعش به‌وسیله اسرائیل و آمریکا را مطرح کردند. اما غرب، به ویژه آمریکا، به زودی متوجه تهدیدات جدی داعش علیه منافعش گردید و ائتلافی بین‌المللی بر ضد داعش تشکیل داد. البته از منظر این نوشتار، طرح این سؤال که «آیا داعش برای آمریکا و غرب تهدید است یا فرصت؟» درست نیست و بهتر است، تهدیدها و فرصت‌هایی که داعش برای آمریکا و غرب ایجاد کرده است، مورد بررسی قرار بگیرند. برای نمونه، ضدیت داعش با شیعیان و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران به عنوان کانون اصلی تشیع از یک‌سو و تلاش برای سرنگونی حکومت بشار اسد در سوریه از سوی دیگر، می‌تواند یک فرصت برای غرب تلقی شود؛ اما افزایش تنش در خاورمیانه و بی‌ثباتی بیشتر، منافع اقتصادی غرب، به ویژه منافع نفتی و بازارهای منطقه‌ای را با خطر مواجه می‌سازد. تهدید جدی دیگر برای غرب، می‌تواند بی‌ثباتی فزاینده‌ای باشد که ممکن است در اثر گسترش



موج مهاجرت از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به اروپا ایجاد گردد؛ که هم اکنون با تشدید بحران سوریه و عراق و نیز تسلط تدریجی داعش بر شمال آفریقا، به خصوص لیبی، شاهد آن هستیم. در این میان، شاید جدی‌ترین تهدید داعش، عضوگیری از داخل کشورهای غربی، به‌ویژه اروپایی باشد که زنگ خطر را بیخ گوش آن‌ها به صدا درآورده است.^۱ به قدرت رسیدن گروه‌های راست افراطی در اروپا و گسترش حوادث تروریستی در این قاره، از جمله حمله به مجله شارلی ابدو در پاریس، می‌تواند از نتایج آنی ظهور داعش باشد.

درباره تعداد دقیق جنگجویانی که از کشورهای غربی، به‌ویژه از اروپا، به سوریه رفته و به داعش پیوسته‌اند با قطعیت نمی‌توان نظر داد، اما آمارهای موجود خیره‌کننده است. در حال حاضر، رقمی بین ۳ الی ۴ هزار جنگجو از اروپا در سوریه و عراق حضور دارند (<http://rt.com/news>).

به ادعای مرکز بین‌المللی مطالعه رادیکالیسم و خشونت سیاسی^۲ تعداد مسلمانانی که در جنگ سوریه به داعش پیوسته‌اند، به هیچ وجه با تعدادی که در بحران‌های افغانستان در دهه ۱۹۸۰، بوسنی در دهه ۱۹۹۰ و عراق در دهه ۲۰۰۰ شرکت داشته‌اند، قابل مقایسه نیست. (<http://icsr.archivestud.io>).

توماس هگهامر، محقق نروژی حوزه مطالعات اسلام‌گرایی، مدعی است تعداد مسلمانانی که از اروپا در بحران سوریه شرکت کرده و به داعش پیوسته‌اند، از تعداد کل مسلمانانی که در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ در تمام جنگ‌های خارج از اروپا شرکت کرده‌اند، بیشتر است (هگهامر، ۲۰۱۳: ۲۷).

در میان کشورهای اروپایی، به‌ترتیب بلژیک، سوئد، دانمارک، فرانسه، اتریش، هلند، فنلاند، نروژ، استرالیا و انگلستان بیشترین تعداد جنگجو را در عراق و سوریه دارند. همان‌گونه که مشخص است، از میان این ده کشور اروپایی، چهار کشور از منطقه شمال اروپا (اسکاندیناوی) هستند.

تهدید افراط‌گرایی برای اروپا

بیشتر تحلیل‌گران، تهدیدات و خطرات مهم داعش برای کشورهای اروپایی را حول سه موضوع

۱. هگهامر بر این باور است که هم فرآیندهای شناختی مانند تمایل مسلمانان به رستگاری یا آزادی از سلطه غرب و هم فرآیندهای احساسی مانند لذت ماجراجویی، احساس زندگی در یک حکومت اصیل دینی و احساس مؤثر بودن می‌تواند دلیل جذابیت داعش برای جوانان مسلمان اروپایی باشد. بنگرید به:

Thomas Hegghammer, "Jihadism: Seven Assumptions Shaken by the Arab Spring", <http://pomeps.org/2014/02/03/jihadism-seven-assumptions-shaken-by-the-arab-spring/>

(/2The International Center for the Study of Radicalization and Political Violence (<http://icsr.info>)

دسته‌بندی می‌کنند:

۱. بازگشت جنگجویان اروپایی در عراق و سوریه به کشورهای خود یک تهدید امنیتی جدی تلقی می‌شود. تجربه نشان داده است که میزان اقدام‌های خشونت‌آمیز اتباع مسلمان اروپایی که در بحران‌ها و جنگ‌هایی چون جنگ داخلی افغانستان و بوسنی شرکت کرده‌اند، در مقایسه با دیگر مسلمانان ساکن این کشورها، خیلی بیشتر بوده است. این افراد هم آموزش نظامی دیده‌اند، هم انگیزه قوی دارند و هم از حمایت یک شبکه جهانی برخوردار هستند (<http://www.vox.com>).

۲. موضوع مهاجرت دسته‌جمعی آوارگان از کشورهای درگیر بحران، همچون عراق، سوریه و لیبی به اروپا، کشورهای اروپایی را با یک تهدید جدی روبرو می‌کند. برای نمونه، در حال حاضر روند فزاینده مهاجران سوری به کشور سوئد موجب اختلال در نظام مهاجرتی این کشور شده است (<http://sverigesradio.se>).

۳. امکان مهاجرت اعضای گروه‌های تکفیری، از جمله داعش، به اروپا مورد توجه رسانه‌ها و هم‌چنین دولت‌مردان اروپایی قرار گرفته است (<http://english.alarabiya.net>).

کشورهای اروپایی نگرانند که اعضای داعش همراه متقاضیان مهاجرت به اروپا، وارد این منطقه شوند. اعضای داعش قصد دارند به این کشورها رفته و تهدیدات امنیتی جدی برای آنها بوجود آورند.

هرچند نگرانی‌های سه‌گانه فوق حائز اهمیت است، اما از دید این نوشتار، مهم‌ترین تهدید ظهور گروه‌های تکفیری، به ویژه داعش، و پیوستن اتباع کشورهای اروپایی به این گروه‌ها در این است که اجماع نخبگان کشورهای اروپایی و نیز قرارداد اجتماعی میان دولت‌های اروپایی و مردم، مورد تردید قرار گرفته و خدشه‌دار شوند و نیروهای گریز از مرکز مخالف با این اجماع و قرارداد اجتماعی، از جمله احزاب و گروه‌های راست افراطی نازیستی، تقویت گردند. آنچه غرب، از جمله اروپا را یکپارچه کرده، ایدئولوژی لیبرال دموکراسی مبتنی بر فردگرایی و سکولاریسم است. آزادی‌های فردی و حقوق بشر در اروپای متساهل و چندفرهنگی، بنیان همبستگی اجتماعی و دموکراسی را تشکیل می‌دهد. منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا، بر ارزش‌های جهانی و غیر قابل تقسیم شرافت انسانی، آزادی، برابری و همبستگی و نیز منع تبعیض بر اساس جنسیت، نژاد، رنگ، قومیت، زبان، مذهب و عقیده تأکید دارد (زیک و هو، ۲۰۱۱).

درواقع، اروپا نه صرفاً به عنوان یک قدرت جغرافیایی، بلکه یک «قدرت معنایی» مورد توجه



قرار می‌گیرد چرا که بر خلاف وجود تناقض‌های زیاد در آن، حداقل بعد از جنگ دوم جهانی، مدعی اصول و ارزش‌های مبتنی بر لیبرالیسم، شامل آزادی، دموکراسی، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و همچنین حکومت قانون هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان مردمان از تبارهای مختلف بوده است (گوندوز، ۲۰۱۰: ۳۰).

این اصول، نه تنها نوعی اجماع میان نخبگان اروپایی ایجاد کرده است، بلکه اساس قرارداد اجتماعی در این کشورها محسوب می‌شود. حضور اقلیت‌ها و مهاجران، از جمله مسلمانان، در چارچوب اجماع نخبگان و قرارداد اجتماعی کشورهای اروپایی، امری مفروض و پذیرفته شده است؛ اما تحولات اخیر در خاورمیانه و اروپا، روندی مخالف را رقم می‌زند. رشد و گسترش احزاب راست‌گرای افراطی، باعث تقسیم‌بندی نخبگان اروپایی و به تبع آن جوامع اروپایی به دو دسته شده است. گروه اول، کسانی هستند که اساساً با مهاجرت خارجی‌ها به کشورهای اروپایی مخالفند یا موافق محدودسازی مهاجرت هستند. در این میان، تعدادی از احزاب و گروه‌های راست‌گرا در اروپا، آشکارا به ترویج اسلام‌هراسی می‌پردازند و در نظام‌های سیاسی این کشورها تنش ایجاد می‌کنند. گروه دوم، سیاستمداران متعددی در اروپا هستند که به مخالفت با احزاب افراطی پرداخته و از حقوق اقلیت‌ها و مهاجرین، از جمله مسلمانان، دفاع می‌کنند. همچنین، گروه‌های اجتماعی مختلف به حفظ اصول اساسی خود که لیبرال دموکراسی بر پایه آن بنا شده است، همت گماشته و با سیاست‌های اسلام‌هراسانه و ضد خارجی به مخالفت می‌پردازند. در حال حاضر، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، احزاب اسلام‌هراس و ضد مهاجر، رو به گسترش هستند و دولت‌های اروپایی یکی پس از دیگری تحت تسلط این احزاب و نوع تفکر آن‌ها قرار می‌گیرند. سؤال محوری این است که «آینده اروپا چگونه است و اروپا به چه سمتی حرکت می‌کند؟» و نیز، «دولت‌های اروپایی برای حفظ اجماع میان نخبگان و تداوم قرارداد اجتماعی چه باید بکنند؟» از منظر این نوشتار، یکی از راهکارها، توجه بیشتر به موضوع فرهنگ و شناخت میان‌فرهنگی است که در بخش بعد به آن می‌پردازیم.

نتیجه‌گیری: افراط‌گرایی و فرصت گسترش مراودات فرهنگی ایران و اروپا

افراط‌گرایی به هر شکل، پدیده‌ای مذموم بوده و در طول تاریخ عواقب اسفناکی به همراه داشته است. یکی از انواع افراط‌گرایی با ادیان مربوط است؛ به این معنا که پیروان برخی ادیان به افراط‌گرایی متوسل شده‌اند یا مخالفان برای جلوگیری از گسترش آن ادیان، به اقدامات افراطی روی آورده‌اند. در تاریخ روابط بین‌الملل، افراط‌گرایی در دین اسلام نیز مشاهده

می‌شود. این افراط‌گرایی شکل‌های مختلف و دلایل گوناگون داشته است؛ البته بحث درباره آن‌ها در این نوشتار ممکن نیست. از خوارج در زمان حضرت علی (ع) تا داعش در حال حاضر، می‌توان طیف وسیعی از گروه‌های افراط‌گرا و شیوه‌های افراطی در دین اسلام را نام برد. افراط‌گرایی مسلمانان در جهان معاصر، بیشتر در محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ریشه دارد که مسبب آن، درست یا نادرست، استعمار غرب و در حال حاضر قدرت‌های غربی، به‌ویژه آمریکا، در نظر گرفته می‌شود. برای نمونه، ظهور داعش و قدرت‌گیری آن به عواملی چون شرایط نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان عرب، ضعف دولت عراق و سیاست‌های نادرست ایالات متحده نسبت داده می‌شود (کوکبرن، ۲۰۱۵).

افراط‌گرایی در اروپا و دیگر نقاط کره زمین نیز تقریباً به همین گونه بوده و رنگ و بوی دینی و غیر دینی داشته است. دو جنگ جهانی اروپا، در افراط‌گرایی اروپایی ریشه دارند؛ به‌ویژه، ظهور و قدرت‌یابی نازیسم و هیتلریسم از مخوف‌ترین نمونه‌های افراط‌گرایی معاصرند. هر چند این افراط‌گرایی، ریشه دینی نداشته، اما یکی از محورهای اصلی آن، یهودی‌ستیزی و مخالفت با یهودیان بوده است. افراط‌گرایی کنونی در اروپا نیز بعضاً ریشه در مسیحیت دارد، اما به‌طور عمده، به شرایط اقتصادی و اجتماعی این کشورها برمی‌گردد. مهاجران خارجی، از جمله مسلمانان، معمولاً مورد حمله افراط‌گرایان اروپایی قرار می‌گیرند و در حال حاضر، افراط‌گرایی اروپایی، به‌طور عمده، بر پایه اسلام‌هراسی و ضدیت با مسلمانان و مقابله با خطر به اصطلاح اسلامیزه شدن اروپا گسترش می‌یابد. همچنین، تمایل برخی از گروه‌های اهل تسنن در خاورمیانه به افراط‌گرایی و رادیکالیسم، افراط‌گرایی و رادیکالیسم در اروپا را تقویت می‌کند. ظهور و قدرت‌گیری احزاب و گروه‌های راست‌گرای اروپای غربی را می‌توان از این منظر هم بررسی کرد.

جهالت و عدم شناخت میان فرهنگی را می‌توان یکی از علل اصلی افراط‌گرایی در جهان معاصر دانست. به‌عبارت دیگر، با مطالعه مباحث افراط‌گرایی، چه در خاورمیانه و چه در اروپا، می‌توان به این مسئله پی برد که چگونه عدم شناخت صحیح میان فرهنگی، تصورات نادرست و متعاقب آن اقدام‌های خشونت‌آمیز بوجود آورده است. ضرورت شناخت میان فرهنگی همیشه به عنوان یک ضرورت استراتژیک مطرح بوده و مورد تأکید قرار گرفته است. در نتیجه عده زیادی از پژوهشگران و دولتمردان، به مسایل فرهنگی توجه بیشتری پیدا کرده و به این باور رسیده‌اند که گسترش مراودات فرهنگی، موجب شناخت صحیح فرهنگ‌ها و جلوگیری از رادیکالیسم می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که در صورت آشنایی هرچه بیشتر مردم با

فرهنگ‌های یکدیگر، دنیا به مکان بهتری برای زندگی تبدیل خواهد شد. از دید این نوشتار، شرایط موجود در خاورمیانه و اروپا، تحت تأثیر تحرکات گروه‌های افراط‌گرای دینی و غیر دینی، تهدیدهای زیادی را ایجاد کرده است. اما فرصتی تاریخی نیز به وجود آمده است که توجه سیاستمداران را به درک ضرورت استراتژیک شناخت میان‌فرهنگی برای جلوگیری از افراط‌گرایی جلب کرده و در نتیجه فضا را برای فعالیت‌های فرهنگی و افزایش مراودات فرهنگی بهبود بخشیده است.^۱

منابع

- بهروش، میثم (۱۳۹۴)، "معضل داعش و استراتژی ضدتروریسم ایران"، روزنامه شرق، ۳۰ خرداد.
- Celso, Anthony, "Cycles of Jihadist Movements and the Role of Irrationality", *Orbis*, Spring 2014, p. 229.
- Celso, Anthony, "The Islamic State and Boko Haram: Fifth Wave Jihadist Terror Groups," *Orbis*, Spring 2015.
- Cockburn, Patrick, *The Rise of Islamic State: ISIS and the New Sunni Revolution*, Verso, 2015
- Gibbs, Jack, "Conceptualization of Terrorism," in: J. Horgan and K. Braddock, eds, *Terrorism Studies: A Reader*, New York: Routledge, 2012.
- Gunduz, Zuhay Y., "The European Union at 50- Xenophobia, Islamophobia and the Rise of the Radical Right," *Journal of Muslim Minority Affairs*, 30, 1, March 2010.
- Hafez, Farid, "Shifting Borders: Islamophobia as Common Ground for Building Pan-European Right-Wing Unity," *Patterns of Prejudice*, 48, 5, 2014.
- Hegghammer, Thomas, "Jihadism: Seven Assumptions Shaken by the Arab Spring", <http://pomeps.org/2014/02/03/jihadism-seven-assumptions-shaken-by-the-arab-spring/>
- Hoffman, Bruce, *Inside Terrorism*, New York: Columbia University, 2006.
- Kaplan, Jeffrey, *Terrorist Groups and the New Tribalism: Terrorism's Fifth Wave*, London: Routledge, 2010.
- Pratt, Douglas, "Islamophobia as Reactive Co-Radicalization," *Islam and Muslim-Christian Relations*, 26, 2, 2015.
- Rappaport, David, "The Four Waves of Modern Terrorism" in John Horgan and Kurt Braddock, eds, *Terrorism Studies: A Reader* (New York: Routledge, 2012).
- Zelin, Aaron, "European Foreign Fighters in Syria", ICSR Report, <http://icsr.archivestud.com>.

۱. به نظر می‌رسد با توجه به زمینه‌سازی‌های فرهنگی در سوئد، امضای توافقنامه هسته‌ای ایران با کشورهای غربی و برگزاری هفته فرهنگی کشورهای اسکاندیناوی در تهران در سال جاری، شرایط برگزاری هفته فرهنگی ج ۱ ایران در منطقه اسکاندیناوی، به‌ویژه کشور سوئد، در سال آینده فراهم خواهد بود.

io/2013/04/icsr-insight-european-foreign-fighters-in-syria-2/

- Zick, Andreas, Beate Küpper and Andreas Hövermann, Intolerance, Prejudice and Discrimination: A European Report (Berlin: Friedrich-Ebert Stiftung 2011), 61, available on the Friedrich-Ebert-Stiftung website at <http://library.fes.de/pdf-files/do/07908-20110311.pdf>.
- <http://english.alarabiya.net/en/News/middle-east/2015/05/17/ISIS-smuggles-militants-into-Europe-with-migrants.html>
- <http://icsr.archivestud.io>, Aaron Zelin, "European Foreign Fighters in Syria", ICSR Report
- <http://rt.com/news/238845-europe-islamist-number-grow/>
- <http://sverigesradio.se/sida/artikel.aspx?programid=2493&artikel=5684219>
- <http://www.rferl.org/content/infographics/foreign-fighters-syria-iraq-is-isis-isil-infographic/26584940.html>
- <http://www.vox.com/2015/1/26/7915741/foreign-fighters-isis>

